

واکاوی رفتارهای جمعی جماعت داعش بر اساس نظریه آگ برن و نیم کوف

محمدی فر، نجات*
رنجبر، محمدرضا

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران
استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران ایران

چکیده

رفتارهای جمعی یکی از پدیده‌های اجتماعی است که گروه‌های اجتماعی نوظهور از طریق آن نظام‌های سیاسی را به چالش طلبیده است. داعش از جمله این گروه‌های تروریستی است که رفتار آن‌ها در این چارچوب قابل بررسی می‌باشد. این گروه اسیر تبلیغات و آگاهی کاذب رهبرانی شده‌اند که ترویج‌دهنده رفتارهای جمعی خشونت‌آمیز مانند ترور، وحشت، هراس، جنون و شایعه با بهره‌گرفتن از وسایل ارتباطی جدید مانند ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی هستند. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش واکاوی رفتارهای جمعی جماعت داعش بر اساس نظریه آگ برن و نیم کوف است (مسئله). روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات از طریق بررسی کتب، مقالات و منابع اینترنتی انجام شده است (روش). نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد داعش از طریق رفتارهای جمعی خشونت‌آمیز مانند سر بریدن، به صلیب کشیدن، زنده به گور کردن، آتش زدن اسرا، اعدام‌های دسته‌جمعی، فروش دختران و زنان به عنوان بردگان جنسی، تیرباران و گردن زدن اقلیت‌های قومی-مذهبی و روزنامه‌نگاران خارجی، تخریب آثار باستانی و مکان‌های مقدس و شایعه‌پراکنی به عنوان یک ابزار جنگ نرم به افزایش اضطراب، نگرانی و رعب و وحشت در جوامع دامن زده است و از این طریق نظام‌های سیاسی را به چالش کشیده است (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: رفتارهای جمعی، هراس اجتماعی، جنون اجتماعی، شایعه اجتماعی،

داعش

مقدمه

رفتار جمعی یکی از پدیده‌های اجتماعی است که از دیرباز گروه‌های اجتماعی نوظهور از طریق آن نظام‌های سیاسی را به چالش طلبیده است. رفتار جمعی به اقدامات یا رفتارهایی اشاره دارد که توسط گروهی از افراد نشان داده می‌شود و به شیوه‌ای هماهنگ به سوی یک هدف یا اهداف مشترک عمل می‌کنند. این نوع رفتار می‌تواند خود به خودی یا برنامه‌ریزی شده باشد و اغلب شامل حس همبستگی میان اعضای گروه باشد. رفتار جمعی می‌تواند شکل‌های مختلفی مانند شورش‌ها، اعتراضات، اعتصابات، خشونت‌های جمعی و دیگر انواع جنبش‌های اجتماعی را به خود بگیرد. این رفتار با اعتقادات، ارزش‌ها و احساسات مشترک که اعضای گروه را به هم متصل می‌کند، هدایت می‌شود. در دهه‌های اخیر، بسیاری از متفکران حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی (مانند اسملسر^۱، لوبون^۲، ترنر و کیلیان^۳، فروید^۴، آگ‌برن و نیم‌کوف^۵ و غیره) تلاش کرده‌اند چرایی و چگونگی بروز این نوع رفتارها را در شکل‌گیری جماعت‌های مختلف مانند گروه‌های تروریستی، جمعیت‌های آشوبگر، فرقه‌های مذهبی، فرقه‌های انحرافی، قیام‌های انقلابی، جنبش‌های اجتماعی و غیره مورد بررسی و واکاوی قرار دهند.

از دیدگاه آن‌ها نابرابری‌های اقتصادی و احساس محرومیت نسبی، سرکوب سیاسی، تفاوت‌های فرهنگی در ارزش‌ها، باورها و سنت‌ها، افراط‌گرایی مذهبی، بیگانگی اجتماعی یا فقدان احساس تعلق، عوامل روانشناختی مانند افسردگی، اضطراب و اختلالات شخصیتی، نفوذ رسانه‌ها، ناراحتی‌های طولانی مدت یا رویدادهای تاریخی حل نشده و عوامل محیطی مانند شرایط نامطلوب زندگی، کمبود منابع و فقر نیز از جمله عواملی هستند که باعث بروز رفتارهای خشونت‌آمیز از سوی گروه‌ها می‌شود.

بررسی رفتارهای جمعی خشونت‌آمیز و نمایشی جماعت تروریستی داعش منعکس‌کننده مختصات ذکر شده است. به این معنا که این جماعت اسیر تبلیغات و آگاهی کاذب رهبرانی شده‌اند که ترویج‌دهنده رفتارهای جمعی مانند خشونت، ترور، وحشت، هراس، جنون و شایعه با بهره گرفتن از وسایل ارتباطی جدید مانند ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی هستند. تبلیغات داعش، پر از تصاویر مخوف، وحشتناک و تکان‌دهنده برای مخاطبان جهانی بود که به‌عنوان ابزاری برای جذب افراد از سراسر جهان برای پیوستن به صفوف خود عمل کرد. موفقیت‌های داعش نه تنها نشان‌دهنده مهارت‌های سازمانی و

¹ Smelser

² Le bon

³ Turner & Killian

⁴ Freud

⁵ Agburn & Nimkoff

نظامی رهبران آن است، بلکه همچنین نشان‌دهنده بهره‌برداری زیرکانه آن‌ها از رفتارهای جمعی خشونت‌آمیز و نمایشی جهت به چالش کشاندن نظام‌های سیاسی موجود است. تحقیر، توهین و بی‌حرمتی مسلمانان توسط غرب در سراسر جهان، رنج آن‌ها در عراق، افغانستان، فلسطین یا بوسنی و ... باعث ایجاد انگیزه در جوانانی شد تا احساس عزت‌نفس و معنای خود را بازگردانند. می‌توان استدلال کرد که تمامی این اقدامات در قالب رفتارهای جمعی خشونت‌آمیز و نمایشی تحقق پیدا کرد. به طور کلی، رفتارهای جمعی داعش شامل اقدامات خشونت‌آمیز و وحشیانه، از جمله قتل عام، اعدام‌ها، تحریف دین اسلام و همچنین خرابکاری تاریخ و فرهنگ مناطقی که تحت کنترل آن‌ها قرار می‌گیرند، است. آن‌ها برای جلب توجه جهانی و افزایش جذابیت خود، برنامه‌های پرخطر و تروریستی را در طول سال‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اند. اگرچه داعش در سال‌های اخیر به‌طور قابل‌توجهی ضعیف شده است، اما بررسی رفتارهای جمعی آن‌ها همچنان اهمیت دارد. این امر می‌تواند به شکل بهتری درک علل شکل‌گیری و پیشرفت گروه‌های تروریستی را فراهم کند. بر این اساس پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخگویی به این سؤال بود که چگونه می‌توان رفتارهای جمعی جماعت داعش را بر اساس نظریه آگ‌برن و نیم‌کوف تبیین نمود؟

شکل‌گیری و پیدایش داعش

ریشه‌های شکل‌گیری داعش به عراق به عنوان زادگاه داعش و القاعده در عراق (AQI) که توسط افراط‌گرای اردنی ابومصعب الزرقاوی که عموماً به‌عنوان بنیان‌گذار این سازمان شناخته می‌شود، گره خورده است. در واقع، تاریخ سیاه عراق، چه در دوران صدام حسین و چه در مرحله پس از مداخله آمریکا، زمانی که ساختار اجتماعی این کشور به دلیل نارضایتی‌های اجتماعی-اقتصادی و امنیتی، سوءمدیریت، جنگ، خشونت و درگیری‌های فرقه‌ای از هم پاشیده شد، به شکل‌گیری داعش کمک کرد و در ادامه هرج‌ومرج و جنگ داخلی در کشور همسایه یعنی سوریه و حمایت‌های مالی و تسلیحاتی برخی از کشورهای منطقه، شرایط لازم برای گسترش این گروه را آماده کرد؛ بنابراین عراق و سوریه زمینه‌های محلی اولیه را برای ظهور داعش فراهم کردند. رقابت‌های ژئوپلیتیکی بین کشورهای منطقه و کاهش نفوذ غرب در خاورمیانه نیز به عنوان پس‌زمینه‌ها یا محرک‌های مهم، ظهور داعش را تسهیل کرد.

فعالیت ابومصعب الزرقاوی به عنوان یک جهادگر مشتاق در سال ۱۹۸۹ زمانی که برای پیوستن به مجاهدین مبارز علیه ارتش سرخ به افغانستان رفت، آغاز شد. زرقاوی در آنجا یک شبکه اجتماعی از افراط‌گرایان همفکر که مشتاق از سرگیری مبارزه علیه دشمنان شناخته شده اسلام واقعی بودند، ایجاد کرد. او در سال ۱۹۹۲ به اردن بازگشت و در آنجا با معلم معنوی خود ابومحمد المقدیسی همکاری کرد. در سال ۱۹۹۴، قبل از اینکه زرقاوی و مقدیسی موفق به اجرای یک طرح تروریستی شوند، هر دو به خاطر در اختیار داشتن اسلحه و

مواد منفجره دستگیر شدند. زرقاوی در زمانی که در زندان به سر می‌برد، فعالانه در حال جذب افراد به یک گروه مبارز جدید بود که در حال تشکیل آن بود و به‌سرعت به خاطر کاریزما و رهبری‌اش مورد احترام دیگر زندانیان قرار گرفت (Warrick, 2015). در سال ۱۹۹۹ زرقاوی با عفو عمومی ملک عبدالله پادشاه اردن از زندان آزاد شد و به دلیل تماس‌ها و مهارت‌های سازمانی، جماعت التوحید و الجهاد (JTJW) را در سال ۱۹۹۹ تأسیس کرد. در سال ۲۰۰۳، گروه زرقاوی در مخالفت با حمله آمریکا به عراق فعال شد و سپس در سال ۲۰۰۴ با القاعده که در آن زمان توسط اسامه بن‌لادن رهبری می‌شد، متحد شد. در آن مقطع، گروه زرقاوی خود را شاخه‌ای از القاعده می‌دانست که در منطقه بین رودخانه‌های فرات و دجله در عراق مستقر بود (Tobing & Indradjaja, 2019: 105). از این زمان، القاعده عراق (AQI) یک کمپین تبلیغاتی پیچیده ایجاد کرد، متن، تصاویر و ویدئوهایی را که برای پخش آنلاین مناسب بود و به شکلی نرم تولید می‌شد، انتقال می‌داد و حملات را از زوایای مختلف ضبط می‌کرد. اگرچه این گروه بر عراق متمرکز بود، اما فعالیت‌هایی فراتر از آن داشت (Fearon & Laitin, 2003: 12).

جدول ۱: تاریخچه نام‌های داعش

نام گروه	تاریخ استفاده
جماعت التوحید و الجهاد (JTJW)	۱۹۹۹-۲۰۰۴
القاعده در سرزمین دو رود (که بیشتر با نام القاعده در عراق یا AQI شناخته می‌شود)	۲۰۰۴-۲۰۰۶
مجلس شورای المجاهدین (MSM)	۲۰۰۶
دولت اسلامی عراق (ISI)	۲۰۰۶-۲۰۱۳
دولت اسلامی عراق و شام ^۱ (ISIS)	۲۰۱۳ تاکنون

مأخذ: (Zelin, 2014: 1)

استراتژی زرقاوی کشاندن آمریکا به یک جنگ تمام‌عیار و طولانی‌مدت بود که به وجهه این کشور به‌عنوان یک ابرقدرت لطمه می‌زد. برای این منظور، او برنامه‌ریزی کرد تا با مارپیچی از خشونت‌های فرقه‌ای بین سنی‌ها و شیعیان، آن‌ها را تحریک کند. زرقاوی از شیعیان متنفر بود و آن‌ها را خائن و کافر می‌دانست. وی پیش‌بینی کرد که استفاده از خشونت

¹ Islamic State of Iraq and the Levant

در مقیاس گسترده، ترس را در این دشمنان ایجاد می‌کند و در عین حال پیروان نهضت جهادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با گذشت چهار ماه از آغاز حمله آمریکا، شبکه زرقاوی حملاتی را به مقر سازمان ملل، سفارت اردن در بغداد و مسجد امام علی (ع) در نجف ترتیب داد. علاوه بر این حملات، زرقاوی به طور قابل توجهی به گسترش خشونت‌های روزمره در سراسر عراق کمک کرد. موج سربریدن گروگان‌ها، حملات انتحاری و بمب‌گذاری کامیون‌ها در عراق هرج و مرج ایجاد کرد و سیگنال روشنی به جهادگرایان سراسر جهان ارسال کرد که عراق کانون جدید مبارزه جهادی و مکانی برای پیوستن به مبارزه است (Warrick, 2015).

در ژوئن ۲۰۰۶، زرقاوی در یک حمله هوایی توسط آمریکا کشته شد. اندکی پس از مرگ زرقاوی، ابو ایوب المصری با نام مستعار ابو حمزه المهاجر رهبری القاعده را بر عهده گرفت و نام سازمان را دوباره به نام دولت اسلامی عراق (ISI) تغییر داد. اندکی قبل از این بازه زمانی، ابوبکر البغدادی در یک بازداشتگاه آمریکایی در عراق (فوریه ۲۰۰۴ تا دسامبر ۲۰۰۴) در کنار بسیاری دیگر از سنی‌های ناراضی و اعضای سابق بعثی که به دنبال راه‌هایی برای احیای مجدد قدرت سیاسی بودند، دستگیر و بازداشت شد. این بازداشتگاه‌ها به محل پرورش ناخواسته رادیکالیزه شدن و هماهنگی تروریست‌ها در آینده تبدیل شدند. در بحث عواملی که دولت اسلامی عراق را قادر به بازگشت و وحشتناک خود کرد، تقریباً همه به نقش رادیکالیزه‌کننده بازداشتگاه‌های عراقی سازمان‌دهی شده توسط ایالات متحده مانند کمپ بوکا اشاره می‌کنند (Warrick, 2015). امکاناتی که رادیکال‌های مذهبی سنی آزادانه با اعضای حزب بعث صدام در تعامل بودند، شعله رادیکالیسم سنی را زنده نگه داشت و زندان‌ها را به اردوگاه‌های امن آموزش و استخدام برای دولت اسلامی عراق تبدیل کرد. همان‌طور که بعدها یکی از رهبران داعش گفت: اگر زندان آمریکایی در عراق نبود، اکنون داعش وجود نداشت، بوکا یک کارخانه بود، همه ما و ایدئولوژی ما را ساخت (Chulov, 2014). کمپ بوکا در سال ۲۰۰۹ بسته شد، اما تماس‌ها و شبکه‌های ایجاد شده در آن فعال باقی ماندند. به گفته منابع اطلاعاتی، اکثریت رهبران داعش در مقطعی در کمپ بوکا (McCoy, 2014) زندانی بودند. هنگامی که در ۱۸ آوریل ۲۰۱۰، دو رهبر ارشد دولت اسلامی عراق، ابو ایوب المصری و ابو عمر البغدادی در حملات ایالات متحده کشته شدند، ابوبکر البغدادی، یکی از فارغ‌التحصیلان کمپ بوکا، به عنوان رهبر جدید ظاهر شد. با وجود اینکه او فاقد تجربه نظامی بود، انتخاب او برای رهبری دولت اسلامی عراق توسط سمیر الخلیفاوی - رئیس بخش نظامی دولت اسلامی عراق - تشویق و حمایت شد (Warrick, 2015).

خروج آمریکا از عراق، بحران سوریه، تغییر میدان فعالیت داعش از عراق به سوریه و نزدیکی دیدگاه‌های آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی در خصوص دولت بشار اسد، فصل مشترکی در روابط این گروه تروریستی با این کشورها گشود (مرادی حقیقی و ملکوتیان، ۱۳۹۸: ۱۳). در واقع یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری داعش در سوریه وجود ناامنی و

برهم زدن نظم در این کشور بود و این فضای ناامن منجر به رشد گروه‌های تروریستی با کمک کشورهای غربی، عربستان، ترکیه و قطر به رهبری آمریکا با هدف سرنگونی دولت بشار اسد شد. عربستان به دو دلیل از داعش حمایت کرد: اول ایجاد بحران در عراق و تضعیف دولت شیعه. سعودی‌ها بر این باورند که سنی‌های عراق در حاشیه قدرت قرار دارند و باید به آن‌ها قدرت داده شود تا جایگاه قبلی خود را بازیابند. حمایت مالی، نظامی و رسانه‌ای عربستان از داعش در عراق در این راستا انجام شده است. دلیل دوم به تلاش‌های سعودی‌ها برای سرنگونی نظام سوریه باز می‌گردد. ریاض حضور دمشق در محور مقاومت و روابط استراتژیک با ایران را پیروزی رقیب منطقه‌ای خود می‌داند. بنابراین از سال ۲۰۱۲ از گروه‌های سلفی - جهادی فعال در سوریه به‌ویژه گروه‌های همسو با آن حمایت کرد (بابایی و شاه‌محمدی، ۱۴۰۱: ۱۶۴-۱۶۳).

این دو رویداد به دولت اسلامی عراق اجازه داد تا بیشتر از احساس محرومیت سنی‌ها استفاده کند. در سال ۲۰۱۱، بغدادی شاخه القاعده، جبهه النصره را به سوریه فرستاد تا به تحکیم و بسیج قدرت سنی در این منطقه کمک کند. تنش بین بغدادی و رهبری النصره اما بعدها باعث درگیری‌های سیاسی جدی در این گروه شد. در سال ۲۰۱۳، بغدادی تغییر نام رسمی دولت اسلامی عراق (ISI) به دولت اسلامی عراق و سوریه/ دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را اعلام کرد و در سال ۲۰۱۴ تأسیس رسمی خلافت را اعلام کرد. این اعلامیه همراه با موفقیت‌های اولیه نظامی در موصل و رقه باعث شد هزاران جنگجوی خارجی به منطقه بپیوندند تا به صفوف داعش بپیوندند.

پیشینه پژوهش

بهمنش (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی زمینه‌های جامعه‌شناختی شکل‌گیری و قدرت‌یابی گروه سلفی - تکفیری داعش در عراق (۲۰۱۴-۲۰۰۳)» به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که از منظر جامعه‌شناختی چگونه می‌توان شکل‌گیری و قدرت‌یابی جریان سلفی - تکفیری در عراق بخصوص داعش را تبیین نمود؟ نویسنده جهت پاسخگویی به این پرسش از نظریه «رفتار جمعی اسملسر»، بهره گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ابهامات، محرومیت‌ها و سوءظن‌های شکل‌گرفته میان اعراب اهل سنت در پی اشغال عراق به‌عنوان مهم‌ترین مصداق فشار ساختاری، از جدی‌ترین عوامل جامعه‌شناختی دخیل در شکل‌گیری و قدرت‌گیری داعش محسوب می‌شود. عراقچی و جوزانی‌کهن (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بهره‌برداری داعش از فضای مجازی» نشان دادند که درهم تنیدگی تروریسم با فضای مجازی موجب شکل‌گیری تروریسم پسامدرن شده است؛ به گونه‌ای که گروه تروریستی داعش به‌عنوان مظهر هویت مقاومت‌گری غیراصیل تلاش می‌کند با استفاده از امکانات فضای مجازی، در جهت غالب ساختن دیدگاه‌های منحرفانه خود اقدام نماید؛ که با توجه به رو به افول بودن توان جذب‌کنندگی داعش برای جلب نیرو به سرزمین عراق و

سوریه، این گروه کوشش می‌کند از راهبردهای رسانه‌ای خود در جهت گسترش هراس در سایر مناطق به‌جای عضوگیری برای گسترش سرزمینی در پیرامون خود استفاده نماید. حقیقتیان و مرادی (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند که رابطه معناداری بین ابعاد مختلف از خودبیگانگی و رفتارهای جمعی جوانان وجود دارد. جان‌بزرگی (۱۳۹۰) در پژوهشی به دنبال شناسایی عواملی که موجب بروز رفتارهای جمعی به‌ویژه رفتارهای تخریبی می‌شود، بود. یافته‌های وی حکایت از این دارد که هنگامی که جمعی تشکیل می‌شود واکنش‌های هیجانی از فردی به فرد دیگر سرایت می‌کند و این مسئله تا جایی پیش می‌رود که هویت و خویش‌داری فرد از بین می‌رود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین احساس ناکامی، احساس گمنامی، پرخاشگری نهفته، نگرش ضداجتماعی افراد و آمادگی آنان برای انجام رفتارهای تخریبی، همبستگی معنی‌داری وجود دارد. مرادی و سعیدی‌پور (۱۳۸۹) در پژوهشی نشان دادند که محرومیت نسبی می‌تواند به عنوان یک عامل کلیدی در ایجاد و شکل دهی رفتارهای جمعی در میان جوانان مؤثر باشد. دا کاستا^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود دریافتند که مشارکت در رفتار جمعی و جنبش‌های اجتماعی با محرومیت نسبی عاطفی، هویت و کارآمدی جمعی و همچنین عوامل ایدئولوژیک مانند تعهد اخلاقی و تهدید ادراک‌شده برای ارزش‌های اخلاقی و مخالفت با باورهای توجیه سیستمی تبیین می‌شود. اویندل^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی نشان دادند که انگیزه‌هایی مانند جستجوی معنا، حفظ سنت و هنجارهای اجتماعی، نیاز به امنیت، مبارزه برای تغییر جامعه به‌سوی بهتر شدن به‌ویژه در زمینه مذهبی و ایدئولوژیک در بروز رفتارهای جمعی نقش دارند. از دیدگاه اولسون (۱۹۷۱) انگیزه‌های مادی مانند دستیابی به پول و ثروت و همچنین انگیزه قدرت و نفوذ ممکن است در رفتار جمعی نقش داشته باشد.

بررسی مطالعات انجام‌شده بیانگر آن است که هر چند در زمینه موضوع پژوهش حاضر و رفتارهای جمعی به صورت عام و پراکنده تحقیقاتی صورت گرفته است اما هیچ‌کدام به طور خاص به بررسی رفتارهای جمعی جماعت داعش نپرداخته‌اند؛ بنابراین پژوهش حاضر ضمن پر کردن خلأ تحقیقاتی در این زمینه در تلاش است تا به واکاوی رفتارهای جمعی نمایشی جماعت داعش بر اساس نظریه آگ‌برن و نیم‌کوف بپردازد.

چارچوب مفهومی و نظری

از سده‌دهم قرن بیستم، مجموعه‌ای از محققین و نظریه‌پردازان کوشیدند تا تجربه انسان در گرهمایی‌های اجتماعی را درک و تبیین کنند (Freud, 1975; Le Bon, 2002). از آن زمان، کار آن‌ها الهام‌بخش خطوط قابل‌توجهی از تحقیقات از جمله در ایجاد حس

¹ da Costa

² Oyanedel

علاقه و هویت‌های مشترک بود (Whitehouse et al., 2019; Henrich, 2020). در میان این مجموعه از تحقیقات، کار اندیش‌مندان و محققانی مانند پارک، اسملسر، دورکیم^۱، آگبرن و نیم‌کوف تلاش برای تحلیل روانی-اجتماعی رفتار انسان‌ها در سطوح مختلف بود. یکی از این رفتارها، رفتار جمعی است که واضع آن جامعه‌شناس آمریکایی رابرت پارک بود که آن را این‌گونه تعریف می‌کند «رفتار افراد تحت تأثیر یک انگیزه مشترک و جمعی، یک تکانه و به عبارت دیگر نتیجه تعامل اجتماعی است» (کوزر، ۱۳۷۳: ۴۷۶). از دیدگاه پارک جماعت‌هایی که ناآرامی را دامن می‌زنند، صرفاً جماعتی از مردم نیستند که تصادفاً به گردهمایی برانگیخته شده باشند بلکه توده‌های ره‌اشده‌ای هستند که پیوندهای وفاداری شان به سامان پیشین گسسته شده است. با این همه فرقه‌های مذهبی و جنبش‌های اجتماعی از بطن همین هیجان‌های جماعتی پدید می‌آیند و کنش‌های زودگذر و حساب‌نشده آن‌ها به سازمان‌های پایدارتر و استوارتر می‌انجامند. رهبران گروه‌های اجتماعی نوظهور، بر رفتار جمعی بدون ساختار جماعت پیشین نظارت اجتماعی تحمیل می‌کنند و بدین‌سان، آن‌ها را به یک جمع منظم تبدیل می‌نمایند زمانی که جماعت نااندیشنده به عامه مردم بازاندیشنده تبدیل می‌شود، هستی‌های اجتماعی تازه‌ای پدیدار می‌شوند که اگر شرایط مساعد باشند، بافت رسوم موجود را به گونه موفقیت‌آمیزی از هم می‌گسلند و راه را برای یک توافق تازه و شاخص یک سامان اجتماعی نوین هموار می‌سازد (راجرز، ۱۳۸۷: ۳۷۲). اسملسر رفتارهای جمعی را مجموعه‌ای از رویدادها یا اقداماتی می‌داند که از تعامل افراد و گروه‌ها در پاسخ به یک موقعیت یا محرک مشترک پدید می‌آیند. این رفتار معمولاً برنامه‌ریزی نشده، غیرنهادینه و غیرهنجاری است، به این معنی که از قوانین یا قراردادهای رفتاری تعیین‌شده پیروی نمی‌کند (Smelser, 1963). وی اضافه می‌کند که رفتارهای جمعی، منعکس‌کننده بحران‌ها و مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده‌تر جوامع است. از دیدگاه دورکیم اولین تأثیر رفتارهای جمعی این است که افراد را به همدیگر نزدیک، روابط بین آن‌ها را چند برابر و آن‌ها را با یکدیگر صمیمی‌تر می‌کند. با این واقعیت که محتوای آگاهی آن‌ها را تغییر می‌دهد (Durkheim, 1912). از دیدگاه آگبرن و نیم‌کوف (۱۳۸۱) جنبه‌ای از رفتار گروهی که جنبه عاطفی شدید دارد و بر واکنش‌های دورانی یا کنش‌های متقابل دورانی استوار است، رفتار جمعی خوانده می‌شود. از دیدگاه آن‌ها، واکنش‌های دورانی یا کنش‌های متقابل دورانی واکنش‌هایی هستند که بر اثر تحریک‌هایی در فردی پدید می‌آیند و سپس محرک افراد دیگر می‌شوند و واکنش‌هایی در آنان به وجود می‌آورند و آنگاه واکنش‌های این افراد در شخص نخستین مؤثر می‌افتند و واکنش‌های شدیدتری در او برمی‌انگیزند و پس از آن، واکنش‌های شدید نخستین در افراد دیگر تأثیر می‌کنند و به واکنش‌های شدیدتری می‌انجامند و به این طریق همواره بر شدت واکنش‌های متجانس اشخاص می‌افزاید. در این

¹ Park, Smelser, Durkheim

صورت باید گفت که کنش‌های متقابل دورانی به واگیری اجتماعی منجر می‌شود، به این معنی که بر اثر این کنش‌ها، اعضای گروه به سرعت و با شدتی دم‌افزون، رفتار یکدیگر را فرا می‌گیرند و بر نوعی تجانس دست می‌یابند. بر این اساس، آگ‌برن و نیم‌کوف رفتار جمعی را چنین تعریف می‌کنند: رفتاری است عاطفی که بر اثر وضع یا حادثه‌ای از شخص یا اشخاصی سر می‌زند و بر اثر واگیری اجتماعی به دیگران منتقل می‌شود و در نتیجه رفتار کمابیش متجانسی به وجود می‌آورد (آگ‌برن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۷۲-۱۷۱). رفتارهای جمعی با ماهیت زودگذر، برون‌سازمانی و نوظهور مشخص شده‌اند (da Costa et al., 2023: 3) و غیرقابل پیش‌بینی، گذرا، سیال، پراکنده، پیچیده و کنترل نشده هستند (Aguirre & Quarantelli, 1983: 195) و اغلب به طور همزمان در سراسر یک منطقه گسترده رخ می‌دهد (Tilly, 1968) و در بسیاری از موارد، کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Lang & Lang, 1961; Killian, 1973).

از دیدگاه آگ‌برن و نیم‌کوف رفتارهای جمعی انواع بسیاری دارند که می‌توانند در یک جامعه رخ دهند. یکی از این موارد رفتار جمعی نمایشی است که مُد اجتماعی، هوس اجتماعی، جنون اجتماعی، شایعه اجتماعی، شیدایی اجتماعی و هراس اجتماعی را شامل می‌شوند (آگ‌برن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۷۳). استدلال می‌شود که مردم تمایل دارند فردیت و قضاوت اخلاقی خود را در جمع تسلیم کنند و تسلیم قدرت هیپنوتیزمی رهبرانی شوند که رفتار جمعی را آن‌طور که دوست دارند شکل دهند (Crossman, 2020: 4). رفتار جمعی نمایشی با الگوهای بدون ساختار، خودانگیخته، عاطفی و پیش‌بینی‌ناپذیر مشخص می‌شود. هرگونه محرک آنی، پیش‌بینی‌نشده و ناپایداری می‌تواند انسان‌ها را به واکنش‌های رفتار جمعی تحریک کند. حضور در چنین جمع‌هایی باعث می‌شود تا افراد نسبت به اعمال خود کمتر احساس مسئولیت کنند (کوئن، ۱۳۹۷: ۱۷۳).

آگ‌برن و نیم‌کوف در کتاب خود «زمینه جامعه‌شناسی» به تعریف انواع رفتارهای جمعی می‌پردازند. از دیدگاه آن‌ها، رفتار جمعی مکرری که به قدر رسم اجتماعی تثبیت نشده باشد مُد اجتماعی^۱ نام می‌گیرد. مُد اجتماعی پُرشور و زودگذر را هوس اجتماعی^۲ می‌نامند. هوس اجتماعی شدیدی که همواره شخص را وسوسه کند، جنون اجتماعی^۳ خوانده می‌شود. جنون اجتماعی صورگوناگونی دارد از جنون جدول حل کردن برخی از روزنامه‌خوان‌ها تا جنون سخت‌گیری دینی برخی از گروه‌های اجتماعی. هوس اجتماعی پُردوامی که با عواطف عمیقی آمیخته باشد شیدایی اجتماعی^۴ نام دارد. نمونه آن رفتار متجددانی است که محض

¹ Social fashion

² Social fad

³ Social craze

⁴ Social manias

یک امر نوظهور خوشایند، خواب و خوراک را بر خود حرام می‌کنند. رفتار جمعی وحشت‌آلود و بی‌هدفی که بر اثر احساس خطر پدید آید، هراس اجتماعی^۱ نامیده می‌شود. هراس اجتماعی تمام ذهن را به‌سرعت فرا می‌گیرد و فرد را به تلاش‌های بیهوده و دیوانه‌وار برمی‌انگیزد (آگبرن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۷۴-۱۷۳).

از دیدگاه آگبرن و نیم‌کوف، جمع^۲ گروهی از افراد انسانی است که دستخوش رفتار جمعی باشند. چون جمع زاده^۳ رفتار جمعی است. جمع انواع مختلفی دارد که مهم‌ترین آن جماعت^۳ است. جماعت گروه متجانس کم‌دوامی است که به اقتضای وضع یا حادثه‌ای خود به‌خود به وجود می‌آیند و بر اثر کنش‌های متقابل دورانی یا واگیری اجتماعی، دارای رفتاری مشترک می‌شوند. جماعت در افراد سبب ایجاد سه تغییر مهم می‌شود: (۱) در هم شکستن فردیت: استغراق شخص در جماعت چنان او را از خود بی‌خود می‌کند که موقتاً از مقتضیات خصوصی خود غافل و به‌اصطلاح دچار بی‌فردیتی^۴ می‌شود. (۲) کنش خودبه‌خودی: شخص بی‌فردیت بی‌اختیار موافق مصالح جماعت رفتار می‌کند و حتی ندانسته پا بر بسیاری از هنجارهای اجتماعی می‌گذارد. (۳) احساس ایمنی: شخص بر اثر شکستن مرزهای فردیت و استغراق در جماعت، خود را دارای قدرتی عظیم می‌پندارد، اعتماد به‌نفس فوق‌العاده می‌یابد و عمیقاً احساس ایمنی می‌کند (آگبرن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

آگبرن و نیم‌کوف، سه عامل مهم را در حفظ جماعت و تحکیم تجانس آن مؤثر می‌دانند: (۱) تمکین به رهبران: دوام و تجانس جماعت مستلزم تمکین اعضای جماعت به پشاهندگان یا رهبران جماعت است. (۲) وسعت جماعت: هر چه تعداد اعضای جماعت بیشتر باشد، سلسله روابطی که هر یک از اعضا را به دیگران پیوند می‌دهد دامنه‌دارتر و پیچیده‌تر خواهد شد و بر بستگی عاطفی اشخاص و تجانس جمع خواهد افزود. (۳) نظم: هر چه نظم خودبه‌خودی جماعت بیشتر باشد، فردیت‌ها با سهولت بیشتری در جمع مستهلک می‌شوند. از این رو رهبران جماعت‌ها می‌کوشند که رفتاری منظم و موزون در جماعت‌ها به وجود آورند و برای این منظور از شعارهای یکنواخت سود می‌جویند (آگبرن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

- 1 Social panic
- 2 Collective
- 3 Crowd
- 4 De-individualism



جماعت داعش و رفتارهای جمعی نمایشی و خوشنوت‌آمیز

بر اساس نظریه آگبرن و نیم‌کوف می‌توان رفتارهای جمعی نمایشی و خوشنوت‌آمیز جماعت داعش را در رابطه با واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی تفسیر کرد. رفتارهای جمعی این گروه نشان می‌دهد اعضای این گروه دچار نوعی بی‌هویتی و عدم فردیت شده و با تبعیت کورکورانه از رهبران و ایدئولوژی‌های ساختگی و دروغین مذهبی و سیاسی تلاش می‌کنند احساس تعلق و هویت مذهبی خود را در جماعت و ناکجاآبادی دنبال کنند که ترور، خوشنوت، اعدام، بردگی و ترس و هراس از ویژگی‌های ذاتی آن است. در رفتار جمعی نمایشی جماعت داعش، عناصر رهبری این گروه سعی می‌کنند به وسیله آمیختن حقیقت با دروغ، نمودها را به صورتی جلوه دهند که باعث تمکین مردم به خواسته‌های آن‌ها شوند. آن‌ها از تلقین‌پذیری اعضا سود می‌برند و نیات خود را به آن‌ها تحمیل می‌کنند حتی گاهی مقاومت روانی مردم را کاملاً در هم می‌شکنند و به اصطلاح دست به شستشوی مغزی اعضای خود می‌زنند. بدین وسیله با تأثیرگذاری فردبه‌فرد، کنترل بیشتری بر رفتار افراد داشته و آن‌ها را در جهت اهداف خود هدایت می‌کنند. همچنین، در نظریه آگبرن و نیم‌کوف بیان می‌شود که فرد در جماعت تا حدی با قوانین و اعتقادات گروه هماهنگی پیدا می‌کند و منافع فردی خود را فدای تمایلات گروهی می‌کند. اعضای داعش، همگی به دنبال تحقق اهداف گروه هستند و آماده هرگونه فداکاری و تنفر از دشمنان خود هستند. در ادامه به برخی از رفتارهای جمعی نمایشی جماعت داعش بر اساس نظریه آگبرن و نیم‌کوف که در شکل ۱ به آن‌ها اشاره شده است پرداخته می‌شود:

هراس اجتماعی: از دیدگاه آگبرن و نیم‌کوف هراس اجتماعی، رفتار جمعی وحشت‌آلود و بی‌هدفی است که بر اثر احساس خطر پدید آید و فرد را به تلاش‌های بهبوده و دیوانه‌وار برمی‌انگیزد. در اینجا هراس اجتماعی به معنای افزایش اضطراب، ترس، نگرانی و رعب و وحشت در جامعه نسبت به فعالیت‌ها و تهدیدات گروه داعش است. این گروه، عملیات تروریستی و جنایت‌های وحشتناکی را در عراق و سوریه انجام داده و با استفاده از آپ‌های رسانه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک، اینستاگرام، واتس‌آپ، پالتاک^۱، کیک^۲،

^۱ PalTalk

^۲ Kik

وایر، جاست پیستایت^۱ و تامبلر^۲، اقدام به اشتراک گذاری فایل های خود می کردند (klausen, 2014: 1-2) که منجر به انتشار فزاینده هراس و نگرانی در بین افراد جوامع شده است. شبکه تروریستی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، از طریق پوشش رسانه ای حملات مرگبار و همچنین انتشار استراتژیک فیلم های اعدام و سایر مواد تبلیغاتی خشونت آمیز خود، نوعی نگرانی ایجاد کرد (Kovács, 2015; Kraidy, 2017; Chouliaraki & Kissas, 2018; Friis, 2018) که مک کرو یونگ و مورتنسن^۳ (۲۰۲۱) از آن به عنوان «منظره ترس^۴» یاد می کنند. داعش با تهدید و ایجاد رعب و وحشت و هراس در مسیر بزرگنمایی خود و تضعیف روحیه دشمن گام برمی دارد. تصویرسازی از صحنه های اعدام دسته جمعی، گردن زدن و سوزاندن و انتشار گسترده این تصاویر و فیلم ها در فضای مجازی، آن ها را به یک تهدید جهانی تبدیل کرد. داعش در مناطق تحت اشغال خود کسانیه را که گناهکار و مجرم می خواند در ملاعام و حتی مقابل چشم کودکان مجازات می کرد تا از این طریق باعث ایجاد هراس اجتماعی شده و جرأت هر گونه مخالفت، اعتراض و ایستادگی را از مردم بگیرد (شریفی و شاهینی، ۱۳۹۵: ۲۵۷).

می توان توسل جماعت داعش به خشونت و ایجاد هراس اجتماعی را بر اساس نظریه ناکامی - خشونت نیز مورد واکاوی قرار داد. بر اساس این نظریه وقتی افرادی از دست یافتن به هدف ناکام می مانند دست به پرخاشگری و خشونت می زنند. به عقیده دالارد^۵ «ناکامی همواره منجر به خشونت و خشونت همواره نتیجه ناکامی است» (آرنسون، ۱۴۰۱: ۲۸۹). از زمان پیدایش داعش در سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ این گروه از دستیابی به اهداف مورد نظر خود در سوریه و عراق ناکام مانده و خصوصاً با برگزاری انتخابات در سوریه و انتخاب مجدد بشار اسد و تحکیم پایه های دولت او داعش دست خود را خالی دید و این بار خون بارتر و هجومی تر به داخل عراق سرازیر شدند و با به کارگیری مکانیسم دفاعی «جانبجایی» خشم و کینه خود را بر سر دولت و مردم عراق خالی کردند. رفتارهای گروه تروریستی داعش در عراق نشان می دهد که ناتوانی و ناکامی در به دست گرفتن حکومت سوریه را از طریق ناامن کردن عراق و کشتار فردی و گروهی اقلیت های مذهبی و قومی و به نمایش در آوردن خشونت و هراس در رسانه ها جبران کردند (نوریخس، ۱۳۹۴).

JustPaste.it^۱

Tumblr^۲

McCrow-Young & Mortensen^۳

spectacle of fear^۴

Dollard^۵

جنون و شیدایی اجتماعی: جنون اجتماعی که از آن به شیفتگی و شیدایی نیز تعبیر می‌شود، به الگوی رفتار غیرمتعارفی که تعداد نسبتاً کمی از مردم در یک دورهٔ بسیار کوتاه از خود نشان می‌دهند، اطلاق می‌شود (کوئن، ۱۳۹۷: ۲۵۳)؛ به عبارت دیگر، جنون اجتماعی نوعی از رفتار جمعی و غیرسنتی است که در آن، رفتار به‌روشنی تعریف نشده و در چارچوب فرهنگ و هنجارهای اجتماعی صورت نمی‌گیرد (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۳۲۹). در چنین وضعیتی وقتی افراد در یک جمع توده‌وار گرد هم می‌آیند و به گونه‌ای عمل می‌کنند که نارضایتی خاص و مشترکی را بروز می‌دهند (ترنر، ۱۳۷۸: ۳۶۲). از دیدگاه آگ‌برن و نیم‌کوف ذوب شدن فرد در گروه چنان او را از خود بی‌خود می‌کند که موقتاً از مقتضیات خصوصی خود غافل و به اصطلاح دچار بی‌فردیتی می‌شود. در چنین حالتی شخص بی‌فردیت بی‌اختیار موافق مصالح جماعت رفتار می‌کند و حتی ندانسته یا بر بسیاری از هنجارهای اجتماعی می‌گذارد (آگ‌برن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۷۹). بر اساس نظریه خودشیفتگی فروید فرد خودشیفته اساساً خود را در جهان مهم می‌داند و جایگاهی بلندمرتبه برای خود قائل است و از دیگران انتظار دارد مدام او را مورد تعریف و تمجید قرار دهند اما وقتی از طرف دیگران مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد در نتیجه به سمت رفتارهای جنون‌آمیز و پرخاشگرانه حرکت می‌کند. بر طبق این تحلیل می‌توان استدلال کرد افراد عضو داعش در یک بن‌بست روان‌شناختی زندگی می‌کرده‌اند و برای به دست آوردن اعتماد به نفس از دست‌رفته خود با هویت داعش ظاهر شده‌اند تا در سایه این قدرت موهوم کسب روحیه و اعتبار کنند. این شکست نارسیستی واکنشی خشم‌آلود به همراه دارد و اعتماد به نفس خود را در تخریب اعتماد به نفس دیگران می‌بیند (نوریخس، ۱۳۹۴).

دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به صورت اساسی یک موقعیت «سلبی» در تاریخ معاصر و نظام بین‌المللی است و رفتارهای جنون‌آمیز آن نیز در این چارچوب قابل تحلیل و بررسی خواهد بود. به لحاظ روان‌شناختی کنش سیاسی و انسان اجتماعی در دو زمان متفاوت به جنون می‌رسند؛ اول زمانی است که آنان به این نتیجه می‌رسند که انباشت قدرت در دستانشان به آنان حق تعیین تکلیف برای بقیه می‌دهد و دوم زمانی که نهایت یأس و سرخوردگی بخش محروم و محذوف را به این نقطه می‌رساند که دیگر جایی برای بازی مهره آنان در صفحه شطرنج کنونی باقی نمانده است. تقابل همین «جنون قدرت» و «جنون یأس»، یک میدان بازی و موقعیت آنارشیک را آرایش می‌دهد که در یکی تکلیف ایجابی از نظم موجود را تحمیل می‌کند و در دیگری نفی و کنش سلبی را موجب می‌شود. در چنین موقعیت و وضعیتی باید پذیرفت که جنون داعشی حدودمرزی نمی‌شناسد (زارعی قنوتی، ۱۳۹۳). سر بریدن، به صلیب کشیدن، زنده به گور کردن، سخت‌گیری دینی، آتش زدن اسرا (Brookes, 2015) اعدام‌های دسته‌جمعی، فروش دختران و زنان به عنوان بردگان جنسی، تیرباران و گردن زدن تبلیغاتی اقلیت‌های قومی- مذهبی و روزنامه‌نگاران خارجی و همچنین تخریب آثار باستانی و مکان‌های مقدس تمامی مذاهب و فرق دینی به اصطلاح غیرخودی که

به صورت گسترده توسط این گروه انجام شده و ویدیوهای تبلیغی این صحنه‌ها توسط آنان به وفور در فضای مجازی انتشار می‌یابد (زارعی فتواتی، ۱۳۹۳)، بازتاب جنون و خوی وحشی‌گیری داعش است. داعش از طریق اعمال خشونت‌آمیز خود تلاش می‌کرد قدرت و نفوذی را به دست آورد تا دولت‌ها را وادار به تغییر سیاست‌ها کند و آن‌هایی را که می‌خواهد بر آن‌ها تسلط داشته باشد، تحت سلطه خود درآورد. بر این اساس می‌توان استدلال کرد که جماعت داعش دچار جنون اجتماعی است به این معنا که اهداف خاصی را دنبال می‌کند و برای رسیدن به این اهداف به خشونت، تروریسم و خرابکاری متوسل می‌شود. داعش خون‌آشامی، خشونت و زورگویی را به عنوان راهکارهای اصلی برای تحقق اهداف خود در نظر گرفته است. آن‌ها تلاش می‌کنند تا مردم را از طریق ایجاد وحشت و هراس در کنترل خود قرار دهند و تبدیل به جامعه‌ای متشنج و خشونت‌آمیز کنند.

شایعه اجتماعی: شایعه اجتماعی به هر گونه انتشار اخبار غیرقابل اثبات و بی‌اساس که به سرعت در جامعه منتشر می‌شود و اکثراً از طریق رسانه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد گفته می‌شود. این شایعات معمولاً با هدف ایجاد ترس، ناراحتی و راه‌اندازی اغراق‌آمیز از خبرهای رسمی می‌تواند منتشر شود. اینترنت مکان نسبتاً نامحدودی را فراهم می‌کند که تروریست‌ها می‌توانند از طریق تعداد به ظاهر نامحدود وب‌سایت‌ها و پلت‌فرم‌های رسانه‌های اجتماعی، شایعات را ایجاد کرده و منتشر کنند و فضای خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که هزاران نیروی جدید بالقوه را برای پیوستن به سازمانشان و پیشبرد اهدافشان هدف قرار دهند. داعش، جهت شایعه‌پراکنی و بزرگنمایی و تحریف واقعیت، پیشرفته‌ترین تبلیغات را از نظر تکنولوژیک تولید می‌کند. آن‌ها از طریق ابزارهای دیجیتالی پیچیده، این ایده را ترویج کردند که داعش با موفقیت یک خلافت ایجاد کرده و هزاران عضو جدید را برای پیوستن به این سازمان تروریستی استخدام کرده است. فیلم‌های داعش که از چند دقیقه تا چند ساعت طول می‌کشد، از ترفندهای تولیدی به سبک هالیوود و جلوه‌های ویژه استفاده می‌کنند تا تروریست‌های داعش را قهرمان نشان دهند و نبرد برای داعش را شبیه به بازی در یک بازی ویدیویی واقعی به تصویر می‌کشند. این تصاویر خشونت‌آمیز و وحشتناک در کنار تصاویر و پست‌هایی ارسال می‌شود که در آن دیدارهای عاشقانه، هیجان‌انگیز و ثروتی که جوانان داعش از آن لذت می‌برند، توصیف می‌کنند. تبلیغات داعش با ترکیبی از هولناک و سوسه‌انگیز، عمداً جوانان جوان را از طریق رسانه‌های اجتماعی هدف قرار می‌دهد، زندگی در قلمرو داعش را پر زرق و برق و آرمان شهر و اعضای آن را قهرمانانه و خواستنی به تصویر می‌کشد. چنین تبلیغاتی نمی‌تواند واقعیت‌های خشن زندگی در داعش یا جنایات داعش را فاش کند (Lieberman, 2017: 95).

به طور کلی، کاربرد شایعه‌ها توسط داعش به عنوان یک ابزار جنگ نرم برای ایجاد ترس و وحشت در بین جامعه هدف، بزرگنمایی، تضعیف روحیه دشمن، تحریک تنش‌های اجتماعی و فرقه‌ای و ایجاد تقسیمات محلی مورد استفاده قرار گرفت. برای مثال، این گروه

با شایعه‌پراکنی درباره حوادث واقعی یا وقایع و نقشه‌های داعش در هدف‌گیری نیروهای امنیتی و جنگنده‌های بین‌المللی، باعث ایجاد ترس و نگرانی در میان مردم و جامعه بین‌المللی شد. این ترس و نگرانی ممکن است به نفع داعش و رسیدن به اهداف تروریستی و سیاسی آن باشد، زیرا تقسیمات اجتماعی و نگرانی از توانایی‌ها و کارآیی نیروهای امنیتی می‌تواند منجر به کاهش حمایت مردم از دولتی شود که در برابر داعش و گروه‌های تروریستی دیگر مبارزه می‌کند.

همچنین در مناطق اشغال شده به دلیل دسترسی محدود به رسانه‌ها و تبلیغات گسترده تروریست‌ها، فضای شایعه مهیا می‌شود. در خارج از این مناطق و کشورهای دیگر هم به دلیل تهدیدات متعدد و تبلیغات هراس‌آور و خشونت‌بار داعش، شایعه‌گسترش می‌یابد. حتی گاهی رسانه‌های کشورهای خود در چارچوب اهداف داعش به این شایعات دامن می‌زدند. برای مثال بعد از حمله داعش به پاریس در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵، شایعات مربوط به حملات داعش به کشورهای مختلف افزایش یافت و در بسیاری از مناطق پلیس در حالت آماده‌باش قرار گرفت. داعش نیز در این مدت برای بزرگنمایی خود مدام ویدئوهای تهدیدآمیز، تولید و منتشر کرد و ترس کشورهای را ترس کافران از نابودی و هراس از مواجهه با مؤمنین معرفی می‌کرد. با توجه به اینکه رسانه‌های اجتماعی کانال اصلی تبلیغات داعش هستند، این رسانه‌ها نیز خود بستر مناسبی برای تولید و گسترش شایعه فراهم می‌کنند (شریفی و شاهینی، ۱۳۹۵: ۲۵۵).

هوس اجتماعی: داعش یک حضور اجتماعی قوی دارد که نقش تعیین‌کننده‌ای در جذب شبه‌نظامیان و حامیان به این سازمان دارد. داعش جوانان و افرادی را از فرهنگ‌های به حاشیه رانده‌شده تحت تأثیر بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هدف قرار می‌دهد. آن‌ها از رسانه‌های اجتماعی به‌طور گسترده برای ترویج برداشت تحریف‌شده خود از اسلام و اهداف افراطی خود استفاده می‌کنند. استراتژی‌های اجتماعی داعش بر استفاده از فعالیت‌های اجتماعی برای جذب اعضای جدید، تقویت پایبندی به سازمان و تقویت وفاداری گروه متکی است. این گروه با تبلیغ و رواج خدمات اجتماعی اساسی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی و سرپناهی در جستجوی میزان مشخصی از حمایت و وفاداری جوامع آسیب‌دیده دست می‌یابد. با این حال، این هوس اجتماعی داعش اغلب مبتنی بر دستکاری آن‌ها در مذهب و فرهنگ است و جامعه‌ای خیالی را فراهم می‌کند که در آن آن‌ها زندگی مطلوبی را برای حامیان خود داشته باشند. آن‌ها ایده تعلق خانواده و گروهی را ترویج می‌کنند و تجربه تعلق و فداکاری را به جامعه خود ارائه می‌دهند که آن‌ها را به اعضای مؤثر سازمان تبدیل می‌کند.

به طور کلی هوس اجتماعی گروه داعش را می‌توان از چندین جنبه مورد بررسی قرار داد: الف) فرصت‌کار: گروه داعش به عنوان یک گروه تروریستی جهانی، به افرادی که از نارضایتی اقتصادی و بیکاری رنج می‌برند، فرصت کار و درآمدی مطلوب ارائه می‌کند. برخی

از افراد به عنوان نیروهای حمایتی و مبارزان در گروه داعش می‌پیوندند تا مشکلات اقتصادی خود را حل کنند. ب) محبوبیت قدرت: گروه داعش با سختگیری و خشونت خود در جذب تعداد زیادی از جوانان از طریق پیام‌های تبلیغاتی بوده است. قدرت و سرزمین‌های تحت کنترل آن برای افرادی که تشنه قدرت و شهرت هستند، جذابیت دارد. ج) ایدئولوژی مذهبی: ایدئولوژی مذهبی داعش، از طریق شیوه‌های تبلیغاتی و برخی عوامل فرهنگی و اجتماعی، به افرادی که در جستجوی عمق و معنا در زندگی خود هستند، می‌پردازد. نیاز به اعتقادات مذهبی قوی و انگیزه‌های دینی می‌تواند برخی را به داعش جذب کند. در کل، هوس اجتماعی گروه داعش به سبب ترکیبی از فرصت‌های اقتصادی، قدرت، اعتقادات دینی و اختلالات اجتماعی و فرهنگی در منطقه‌های مختلف جذابیت دارد. همه این عوامل با هم ترکیب شده‌اند تا با ارائهٔ یک آرمان ایدئولوژیک، به مردم امید بدهند و آن‌ها را برای پیوستن به داعش دعوت کنند.

شورش و غوغا: از دیدگاه آگبرن و نیم‌کوف، شورش‌ها و غوغاها در کنار شیفتگی‌ها، شوریدگی‌ها و وحشت‌زدگی‌ها نمونه‌های دیگری از رفتارهای جمعی به شمار می‌آیند. هواداران داعش، به آشکارترین و روشن‌ترین شکلی رفتار جمعی خشونت‌آمیز را به نمایش گذاشتند. آن‌ها بر اثر غلیان احساسات و هیجان‌های دسته‌جمعی هر چیزی را سر راه خود نابود ساختند و به جان و مال مردم و آثار تاریخی و باستانی خسارت‌های سنگینی وارد کردند. معمولاً این‌گونه شورش‌ها با جمعیت کوچکی آغاز می‌شوند ولی به تدریج نیروهای تازه‌ای به آن می‌پیوندند و در لحظات اوج آن‌ها جمعیت عظیمی بسیج شده و به صفوف شورشی‌ها ملحق می‌شوند. جماعت‌هایی مانند داعش معمولاً تحت تأثیر تلقین‌ها و القانات رهبران خودساخته خود قرار می‌گیرند و از فرامین آن‌ها بی‌چون و چرا اطاعت می‌کنند و به پیامدهای ناخوشایند و زیان‌ها و خسارت‌های مالی و حتی جانی این فرمان‌ها نمی‌اندیشند.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش واکاوی رفتارهای جمعی جماعت داعش بر اساس نظریه آگبرن و نیم‌کوف بود. رفتارهای جمعی به رفتارهایی اطلاق می‌شود که در شبکه‌های اجتماعی، تجمعات عمومی و گروه‌های بزرگ انسانی به‌طور مشترک نشان داده می‌شوند. این رفتارها معمولاً توسعه یافته‌اند و از طریق تأثیرپذیری اجتماعی و شباهت رفتارهای فردی به هم رساندگی شده‌اند. نظریه رفتار جمعی برای توضیح رفتارها و عملکرد افراد در محیط‌های گروهی و جمعی استفاده می‌شود. این نظریه به بررسی عواملی مانند اعتقادات، ارزش‌ها، نظرات و انگیزه‌های فردی در تشکیل رفتار گروهی می‌پردازد. واکاوی رفتارهای جمعی جماعت داعش بر اساس نظریه آگبرن و نیم‌کوف بیانگر آن است که این گروه در راستای اهداف خود و به چالش کشیدن نظام‌های سیاسی به انواع رفتارهای جمعی نمایشی و

خشونت‌آمیز مانند هراس اجتماعی، جنون و شیدایی اجتماعی، شایعه‌سازی، هوس اجتماعی و شورش و غوغا روی آورده است.

هر چند رفتارهای جمعی داعش به عنوان یک گروه تروریستی و تکفیری قابل توجیه نیست و از هرج و مرج بالایی برخوردار است با این حال، داعش به‌عنوان یک سازمان تروریستی عملکرد خشونت‌آمیزی داشته است که شامل ارتکاب جنایات علیه بشریت، نابودی تمدن‌ها و ارزش‌ها، استبداد و ستم علیه زنان و کودکان، اجبار به دین و ایجاد بحران‌های امنیتی جهانی بوده است. اعمال داعش نشان می‌دهد که آن‌ها به سطحی بالاتر از خشونت و بی‌رحمی نسبت به غیرمسلمانان و حتی برخی از مسلمانان متدین به‌ویژه شیعیان دست زده‌اند. به طور کلی، داعش عملکردی بسیار نمایشی داشت که هدف آن ترس و وحشت از طریق نشان دادن قدرت خود و کاربردهای وحشتناک خشونت است. به عنوان یک سازمان تروریستی، داعش برای جذب نیرو از اخبار جعلی و ویدیوهای تروریستی استفاده می‌کرد که در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شد. شاید این رفتارها به‌عنوان یک راه برای جلب توجه و آگاهی از وجود خود و مبارزه با دشمنانشان در نظر گرفته شده باشد. با این حال، باید توجه داشت که نمایش این‌گونه رفتارها علاوه بر آسیب رساندن به هدف تمامیت جغرافیایی، نابودی جان انسان‌ها و از بین بردن تاریخچه و فرهنگ نیز، اثرات منفی اساسی روی جامعه‌های عادی داشته است. از طرفی، نمایش رفتارهای شوم داعش می‌تواند به عنوان ابزاری برای ترویج افکار تروریستی و مذهبی شناخته شود و بدین ترتیب، برخی از عناصر جوان و آسیب‌پذیر می‌توانند قربانی این فرصت‌های تبلیغاتی شوند.

منابع

- آرنسون، الیوت (۱۴۰۱). روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن. تهران: رشد
- آگ‌برن، ویلیام فیلدینگ؛ نیم‌کوف، مایرفرانسیس (۱۳۸۱). زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران: گستره
- بابائی، محمود؛ شاه محمدی، پریسا (۱۴۰۱). رویکرد سیاست خارجی عربستان سعودی در حمایت از گروه‌های تکفیری-جهادی (مطالعه موردی بحران سوریه). فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی. ۱۱(۱)، ۱۴۹-۱۷۳.
- بهمنش، حسین (۱۳۹۷). بررسی زمینه‌های جامعه‌شناختی شکل‌گیری و قدرت‌یابی گروه سلفی - تکفیری داعش در عراق (۲۰۱۴-۲۰۰۳). فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی. ۷(۱۴)، ۶۱-۸۳.
- ترنر، جانانا اچ. (۱۳۷۸). مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

جان بزرگی، ابراهیم (۱۳۹۰). عوامل روان‌شناختی مؤثر بر بروز رفتارهای تخریبی جمعی (مورد کاوی تماشاگران فوتبال). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۲(۲۷)، ۱۴۴-۱۲۱.

حقیقتیان، منصور؛ مرادی، گلمراد (۱۳۹۳). اثر از خودبیگانگی در ایجاد و شکل‌گیری رفتارهای اعتراضی جمعی (مورد مطالعه: جوانان شهر کرمانشاه). علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۱(۱)، ۱۵۵-۱۷۹.

راجرز، اورت میچل (۱۳۸۷). تاریخ تحلیلی علم ارتباطات. ترجمه غلام‌رضا آذری، تهران: فرهنگ معاصر

زارعی قنواتی، اردشیر (۱۳۹۳). سرمایه‌گذاری «داعش» بر جنون خشونت‌طلبی. روزنامه مشرق، شماره ۲۱۱۱

شریفی، سیدمهدی؛ شاهینی، زینب (۱۳۹۵). بررسی ابزارها، تاکتیک‌ها و رویکردهای رسانه‌ای گروه تروریستی داعش. پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۱(۱)، ۲۳۹-۲۶۳.

عضدانلو، حمید (۱۳۸۴). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نی. کوزر، لوئیس (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی کوئن، بروس (۱۳۹۷). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توتیا.

مرادی حقیقی، فائزه؛ ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۸). نقش آمریکا در شکل‌گیری گروه تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش). فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۸(۲)، ۷-۳۶.

مرادی، گلمراد؛ سعیدی پور، بهمن (۱۳۸۹). بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه براساس نظریه تعامل گرائی بلومر. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۷(۲)، ۱۶۳-۱۹۱.

نوربخش، علیرضا (۱۳۹۶). ریشه‌های روانشناختی ظهور پدیده داعش. بر گرفته از سایت: <https://public-psychology.ir/1396/03/9729/>

Aguirre, B. E., & Quarantelli, E. L. (1983). Methodological, ideological, and conceptual-theoretical criticisms of the field of collective behavior: A critical evaluation and implications for future study. *Sociological Focus*, 16(3), 195-216.

Brookes, P. (2015). There is a method to ISIS madness. Retrieved from. <https://www.heritage.org/terrorism/commentary/theres-method-isis-madness>

Chouliaraki, L. & Kissas, A. (2018) the communication of horrorism: A typology of ISIS online death videos. *Critical Studies in Media Communication* 35(1): 24–39.

Chulov, M. (2014, December 11). ISIS: The inside story. *The Guardian*. Retrieved from. <http://www.theguardian.com/world/2014/dec/11/-sp-isis-the-inside-story>

Da Costa, S., Páez, D., Martí-González, M., Díaz, V., & Bouchat, P. (2023). Social movements and collective behavior: an integration of meta-analysis and systematic review of social psychology studies. *Frontiers in Psychology*, 14, 1096877.

Durkheim, É. (1912). *The Elementary Forms of Religious Life* (J. D. Swan transl.). Georges Allen & Unwin Ltd.

Fearon, J. D., & Laitin, D. D. (2003). Ethnicity, insurgency, and civil war. *American political science review*, 97(1), 75-90.

Freud, S. (1975). *Group psychology and the analysis of the ego*. WW Norton & Company.

Friis, S. M. (2018). 'Behead burn, crucify, and crush': Theorizing the Islamic State's public displays of violence. *European Journal of International Relations*, 24(2), 243-267.

Henrich, J. (2020). *The Weirdest People in the World*. New York, NY: Penguin Books.

Jasko, K., Kruglanski, A. W., Hassan, A. S. R. B., & Gunaratna, R. (2021). ISIS: Its History, Ideology, and Psychology 53. *Handbook of Contemporary Islam and Muslim Lives*, 1089.

Killian Lewis, M. (1973). Social Movements: A review of the field. *Handbook of Modern Sociology*, 426-455.

Klausen, J. (2015). Tweeting the Jihad: Social media networks of Western foreign fighters in Syria and Iraq. *Studies in Conflict & Terrorism*, 38(1), 1-22.

Kovács, A. (2015). The "New Jihadists" and the Visual Turn from al-Qa'ida to ISIL. *ISIS/Da'ish. BiztPol Affairs*, 2(3), 47-70.

Kraidy, M. M. (2017). The projectilic image: Islamic State's digital visual warfare and global networked affect. *Media, Culture & Society*, 39(8), 1194-1209.

Lang, K. and G. E. Lang. (1961). *Collective Dynamics*. New York: Thomas Y. Crowell

Le Bon, G. (2002). *The Crowd: A Study of the Popular Mind* by Gustave Le Bon. Available online at: https://www.files.ethz.ch/isn/125518/1414_LeBon.pdf

Lieberman, A. V. (2017). Terrorism, the internet, and propaganda: A deadly combination. *J. Nat'l Sec. L. & Pol'y*, 9, 95.

McCoy, T. (2014). How the Islamic State evolved in an American prison. *The Washington Post*. Retrieved from <https://www.washingtonpost.com/news/morning-mix/wp/2014/11/04/how-an-american-prison-helped-ignite-the-islamic-state/>

McCrow-Young, A., & Mortensen, M. (2021). Countering spectacles of fear: Anonymous' meme 'war' against ISIS. *European Journal of Cultural Studies*, 24(4), 832-849.

Oyanedel, J.C. Espinosa, A. Çakal, H and Paez, D. (2023). Editorial: Socio-psychological perspectives on collective behavior and social movements. *Front. Psychol.* 14:1-3.

Smelser, N, J. (1963). *Theory of Collective Behavior*. Routledge

Tilly, C. (1968). *Methods for the study of collective violence*. New York: Praeger.

Tobing, F. B., & Indradjaja, E. (2019). Islamic State in Iraq and Syria (ISIS) and its impact in Indonesia. *Global: Jurnal Politik Internasional*, 21(1), 101-125.

Warrick, J. (2015). *Black flags: The rise of ISIS*. New York: Doubleday.

Whitehouse, H., François, P., Savage, P. E., Currie, T. E., Feeney, K. C., Cioni, E., & Turchin, P. (2019). RETRACTED ARTICLE: Complex societies precede moralizing gods throughout world history. *Nature*, 568(7751), 226-229.

Zelin, A. Y. (2014). The war between ISIS and al-Qaeda for supremacy of the global jihadist movement. *The Washington Institute for Near East Policy*, 20(1), 1-11.